



عنوان کتاب متن پژوهی توصیفی:

حیات پس از مرگ

مؤلف: آیت الله سید محمد حسین طباطبایی

نام مدرسه: امام صادق (علیه السلام) چهارباغ

نام و نام خانوادگی پژوهشگر:

محمد جواد نریمانی

شماره پرونده مرکز مدیریت: ۴۰۰۲۸۰۶۶

پایه: ۳

بهار: ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

پژوهش حاضر یک بررسی توصیفی از کتاب حیات پس از مرگ علامه شریف سید محمد حسین طباطبایی می باشد. در قسمت اول به بررسی زندگی نویسنده پرداخته و مسائلی از جمله اطلاعات شخصی او، پیشینه علمی، اساتید، آثار و حوزه های تخصص وی بیان شده است. سپس به بررسی توصیفی کتاب پرداخته و مسائلی از جمله نوع و موضوع کتاب، ایده نویسنده، گروه مخاطبین، فهرست و الگوی شکل گیری مطالب، استدلال ها و روش نویسنده در بیان مطالب کتاب بیان شده است. در قسمت سوم به بررسی مناسبات نویسنده و کتاب پرداخته و مطالبی راجب شرایط نویسنده در تالیف کتاب، منابع علمی، محدودیت ها، پیش فرض ها و ارتباط کتاب با تخصص نویسنده بیان شده است. در قسمت چهارم نیز پس از ذکر سرفصل ها و مباحث مورد بحث در کتاب خلاصه ای مختصر و مفید از هر بخش آورده شده است.

کلید واژه:

معاد ، حیات پس از مرگ ، قبر ، برزخ ، نفخ صور ، قیامت

Contents

فهرست مطالب	Error! Bookmark not defined.
مقدمه	۱
قسمت اول: شخصیت و جایگاه علمی نویسنده	۲
۱-۱- مشخصات نویسنده	۲
۲-۱- پیشینه علمی	۲
۳-۱- حوزه تخصص نویسنده	۴
قسمت دوم: بررسی توصیفی کتاب	۵
۱-۲- تبارشناسی کتاب	۵
۲-۲- موضوع کتاب	۵
۳-۲- ایده کلی نویسنده	۵
۴-۲- ارتباط با موضوعات فرعی	۵
۵-۲- گروه مخاطبان	۶
۶-۲- ابداعی بودن فهرست	۶
۷-۲- فهرست پیشنهادی بهتر	۷
۸-۲- استدلالها و روش اثبات و تبیین مطالب	۷
۹-۲- استدلالات نویسنده	۸
۱۰-۲- تاکید بر موارد کم اهمیت	۸
۱۱-۲- موضوعات و مسائل مهم دیگر برای پژوهش (پیشنهاد پژوهش بیشتر)	۸
قسمت سوم: مناسبات نویسنده و کتاب	۹
۱-۳- شرایط نویسنده برای نوشتن کتاب	۹
۲-۳- منابع علمی نویسنده	۹
۳-۳- محدودیت های نویسنده	۹
۴-۳- پیشفرض های ذهنی	۱۰
۵-۳- ارتباط کتاب با تخصص نویسنده	۱۰
قسمت چهارم: خلاصه کتاب	۱۱
نتیجه گیری	۱۴

مقدمه

سرانجام زندگی هر انسان و هر موجود دیگری در دنیا به صورت ناگزیر مرگ و فنا می باشد، چنانکه خداوند متعال در قرآن می فرماید: "کل من علیها فان" (الرحمن، ۲۶). حال باید دانست که مرگ نابودی و انعدام نیست و زندگانی و حیات پس از مرگ نیز ادامه دارد و سیر اصلی و تکمیلی از سفر انسان پس از مرگ آغاز می شود. (که در عالم برزخ ادامه می یابد و سپس با فرا رسیدن اجل معین در صور دمیده شده و قیامت برپا می شود و پس از حساب رسی انسان به بهشت یا جهنم برده می شود و زمان بسیار زیادی را در آنجا سپری می کند)

با توجه به اهمیت مسئله معاد و حیات پس از مرگ کتابها و رساله های بسیاری در این زمینه تالیف شده اند که به بررسی امکان معاد و اثبات آن بصورت مفصل و تحقیقی و ترسیم دقیق و جامعی از مراحل حیات و عوالم پس از مرگ می پردازند ولی این رساله به صورت بسیار مختصر و مفید به طرح بحث در این زمینه پرداخته و در پی اثبات و تبیین حیات انسان پس از زندگی دنیوی با استفاده از آیات روایات و روش تفسیری آیه با آیه و روایت با روایت می باشد که کمتر کسی از محققین و مفسرین گذشته از این روش برای بیان مسئله معاد استفاده کرده اند.

ضرورت بحث از زندگی انسان پس از مرگ و حیات دنیوی در ابتدای مقدمه روشن شد، از آنجا که بعد اصلی و تکمیلی حیات انسان زندگانی و عوالم پس از مرگ می باشد لازم است این مسئله به صورت واضح برای انسان تعریف و تبیین شود تا با اطلاع و آگاهی بتواند توشه ای خوب برای سرای دیگر خود ببرد.

هدف از این تحقیق تبیین حیات پس از مرگ انسان به صورت مختصر و با استفاده از آیات قرآن و روایات ائمه اطهار علیهم السلام می باشد، مساله ای که دانستن آن برای هر مسلمان امری ضروری و لازم است.

قسمت اول: شخصیت و جایگاه علمی نویسنده

۱-۱- مشخصات نویسنده

علامه فقید سید محمد حسین طباطبایی فرزند سید محمد در بیست و شش اسفند سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری شمسی مصادف با بیست و نه ذی القعدة سال هزار و سیصد و بیست و یک هجری قمری در تبریز چشم به جهان گشود (اوسی، ۱۳۶۴: ۳۹). علامه در سن پنج سالگی مادر و در سن نه سالگی پدر خود را از دست داد و با برادرش سید محمد حسن تنها ماند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۹). نسب وی از طرف پدر به امام حسن مجتبی علیه السلام و از طرف مادر به حضرت امام حسین علیه السلام می رسد خاندان او نیز تا چهارده پشت از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده اند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق: ۳۲).

۱-۲- پیشینه علمی

علامه از دوران کودکی تحصیل خود را در زادگاهش تبریز شروع نمود و بین سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ نزد ادیبی لایق به نام شیخ محمدعلی سرایی علاوه بر قرآن مجید کتابهای بوستان، گلستان، اخلاق مصور، تاریخ معجم، ارشاد الحساب، نصاب الصبیان و دیگر کتابهای متداول در مدارس آن روز را فرا گرفت.

پس از آن در سال هزار و دویست و نود و هفت هجری شمسی وارد مدرسه طالبیه تبریز شد و تا سال هزار و سیصد و چهار هجری شمسی به فراگیری ادبیات عرب و علوم عقلی و نقلی و فقه و اصول پرداخت و در ظرف این هشت سال کتابهای امثله، صرف میر و تصریف در علم صرف و کتابهای عوامل، نموذج، صمدیه، سیوطی، جامی و مغنی در علم نحو، کتاب مطول در علم معانی و بیان و کتابهای شرح لمعه و مکاسب در فقه و کتابهای معالم، قوانین، رسائل و کفایه در علم اصول فقه و رساله کبری، حاشیه ملا عبدالله و شرح شمسیه در علم منطق و شرح اشارات در فلسفه و کشف المراد در علم کلام را خواند (غیاثی کرمانی، ۱۳۸۱: ۸۰). علامه پس از اتمام اولین مراحل علمی در سال هزار و سیصد و چهار هجری شمسی همراه برادرش سید محمد حسن رهسپار نجف اشرف شد و ده سال در آن مرکز بزرگ تشیع به تکمیل معلومات خود در شعب مختلف علوم اسلامی پرداخت.

فقه و اصول را نزد میرزای نائینی، محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی، علم رجال را نزد سید محمد حجت کوه کمری، فلسفه را نزد سید حسین بادکوبه ای، ریاضیات و هندسه را نزد آقا سید ابوالقاسم

خوانساری و اخلاق و عرفان را در محضر مرحوم سید علی قاضی طباطبایی که سرسلسله اساتید ایشان می باشند تلمذ کرد (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۱۳).

تحصیلات علامه فقط محدود به سطوح عالی فقه نبود بلکه علاوه بر عمیق ترین تحصیلات در صرف و نحو و ادبیات عرب و فقه اصول ایشان یک دوره کامل از ریاضیات قدیم از اصول اقلیدس تا مجسطی بطلموس و نیز فلسفه و کلام و عرفان و تفسیر را فراگرفت و در این علوم به مرحله اجتهاد نایل آمد

وی علاوه بر اینها زیر نظر استاد میرزا علینقی خطاط به یادگیری فنون خوش نویسی پرداخته و در تعلیم خط به مقام استادی رسید (تاجدینی، ۱۳۷۴: ۱۰ و ۱۱).

در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی به تبریز برگشت و تا سال ۱۳۲۵ که در آنجا ساکن بود به کشاورزی مشغول شد و در کنار کار کشاورزی به تالیف و تحقیق می پرداخت (شمس، ۱۳۸۷: ۳۴ و ۳۵).

علامه طباطبایی از سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در قم ساکن شد و فعالیت علمی خود را از سر گرفت. او درس تفسیر و فلسفه را در قم آغاز کرد و به تدریج دروس حکمت مانند کتاب شفا و اسفار را متداول ساخت و شاگردان فراوانی نیز تربیت کرد وی را احیاگر علوم عقلی و تفسیر قرآن در حوزه علمیه قم دانسته اند (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۱۳ و ۱۴). همچنین وی نشست های علمی با هانری کربن فیلسوف و شیعه شناس فرانسوی داشت که زمینه ساز معرفی تشیع به اروپاییان شد. سرانجام پس از هشتاد و یک سال عمر با برکت و زندگی پرتلاش در هجده محرم ۱۴۰۲ قمری مصادف با بیست و چهار آبان ۱۳۶۰ شمسی روح پاک و الهی آن حکیم عارف و مفسره وارسته به دیار قدسی و ملکوت رهسپار گردید و پیکر مطهرش در حرم حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق: ۱۳۱).

علامه در طول عمر خود شاگردان متعددی را تربیت کرد که شهید مرتضی مطهری، سید محمد حسین بهشتی، علامه محمد تقی مصباح یزدی، حسن حسن زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله نوری همدانی، آیت الله جعفر سبحانی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی از جمله آنان بوده اند.

آثار و تالیفات وی عبارتند از تفسیر المیزان، کتاب شیعه در اسلام، کتابهای فلسفی بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، اصول فلسفه و روش رئالیسم، حاشیه بر اسفار، سنن النبی، رساله بر لب الباب، حاشیه بر کفایه الاصول و غیره.

چنانکه بیان شد وی احیاگر علوم عقلی و تفسیر قرآن در حوزه علمیه بود. روش تفسیری او تفسیر قرآن به قرآن بود، طباطبایی معتقد است فهم قرآن خود بسنده است و برای فهم قرآن نیازی به روایات نیست و بلکه قرآن است که معیار ارزش گذاری روایات می باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۷۸ تا ۸۰). چنان که خود فرموده اند این سبک تفسیر آیه به آیه را استادشان استادشان جناب آیت الله قاضی طباطبایی به ایشان تعلیم داده اند (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۷۸ تا ۸۰).

همچنین وی در فلسفه نیز استاد بود و در دوران تعطیلی درس فلسفه با برقراری جلسات هفتگی با شاگردان خاص خود تدریس مبانی فلسفی ملاصدرا و حکمت متعالی را ادامه داد، بسیاری از مدرسان فلسفه در حوزه علمیه قم شاگردان او بوده اند.

برخی پژوهشگران با تکیه بر اندیشه های طباطبایی او را فیلسوفی می دانند که هر چند در مکتب ملاصدرا قرار می گیرد ولی به دلیل ابتکارات خود باید او را به نوعی موسسه مکتبی به نام فلسفه نو صدرایی دانست (رشاد، ۱۳۷۷: ۴۰۹ تا ۴۱۱).

قسمت دوم: بررسی توصیفی کتاب

۱-۲-تبارشناسی کتاب

کتاب حیات پس از مرگ اثر علامه فقید سید محمد حسین طباطبایی (اعلی الله مقامه الشریف) می باشد. این کتاب ترجمه بخش اعظم رساله الانسان بعد الدنيا علامه است که ذیل کتاب الانسان علامه و از مجموعه رسایل چاپ نشده وی می باشد. در این رساله که در موضوع معاد می باشد به بررسی وضع انسان پس از حیات دنیوی خویش می پردازد و به صورت مختصر و مفید با استفاده از براهین و کتاب و سنت و با روش تفسیر آیه به آیه و روایت به روایت که روش خاص علامه می باشد به بررسی موضوع معاد پرداخته است.

۲-۲-موضوع کتاب

موضوع کتاب درباره مسئله معاد و زندگی انسان بعد از حیات دنیوی می باشد که به بررسی مسائلی چون حقیقت مرگ، عالم برزخ، نفخ سور، روز قیامت، برانگیخته شدن انسان در آن روز و قضاوت اعمال وی و غیره می پردازد که با استفاده از آیات و روایات متعدد این مسائل را تبیین کرده است لذا زیر مجموعه علم کلام قرار می گیرد.

۳-۲-ایده کلی نویسنده

بطور کلی نویسنده در کتاب به دنبال تبیین زندگی انسان پس از مرگ و حیات دنیوی بر اساس آیات و آیات قرآن و روایات می باشد که به بررسی عالم برزخ، روز قیامت و احوالات آن و برانگیخته شدن انسان در آن روز برای بررسی اعمال و قضاوت درباره وی می پردازد.

۴-۲-ارتباط با موضوعات فرعی

نویسنده تقریباً موضوعی فرعی در خلال مباحث ذکر مطرح نمی کند و بطور متمرکز به بررسی حیات انسان پس از مرگ و اوصاف و احوالات آن می پردازد.

البته نویسنده در چند جای کتاب درباره افرادی توضیح می دهد که از ایشان موآخذ و حساب و کتاب به عمل نمی آید از جمله کافرین و معاندینی که جاهل به ادیان هستند و ایمان یا کفر محض ندارند که اگرچه در ظاهر غیر مرتبط با بحث تعریف و تبیین حیات پس از مرگ است ولی به نوبه خود بحثی ضروری و مرتبط است و برای درک بهتر عالم برزخ و نحوه قضاوت در روز قیامت لازم است.

همچنین در جایی دیگر از کتاب به تعریف ظلم و اثرات یا عوامل آن و ریشه آن می پردازد که این هم به نوعی مرتبط با اهل دوزخ است که عامل جهنمی شدنشان را بیان می کند که به وسیله ظلم و تفریط در حق مردم یا در حق نفس یا در حق خداوند به این وضع گرفتار شده اند.

پس به طور کلی موضوعی فرعی در کتاب مورد بحث قرار نگرفته و حتی موضوعاتی هم که به ظاهر فرعی هستند مثل آنچه بیان کردیم به نوعی مرتبط با معاد و روز قیامت و احوالات آن هستند.

۲-۵- گروه مخاطبان

با اینکه کتاب در زمینه علم کلام نوشته شده است و در خلال آن براهین و استدلالهای فلسفی نیز کمی ذکر می شود ولی با توجه به سادگی و روانی طرح بحث و استفاده از آیات و روایات مخاطب این کتاب را باید آحاد و عوام مردم دانست و فهم مطالب کتاب برای عامه مردم موثر است و به تعریف صحیح معاد و زندگی پس از مرگ و دفع شبهات در این زمینه کمک می کند.

البته لازم است خواننده کتاب آشنایی اجمالی با بعضی از مسائل داشته باشد چرا که در قسمتهایی از کتاب استدلال ها و مطالبی بیان می کند که فهم آن برای مخاطب خالی الذهن امکان پذیر نیست.

لذا به طور کلی مخاطب این کتاب را میتوان مسلمانان و محققینی دانست که آشنایی اجمالی با علوم اسلامی از جمله کلام و منطق دارند و به دنبال درک دقیق و صحیح مسئله معاد و زندگی پس از مرگ هستند.

۲-۶- ابداعی بودن فهرست

کتاب حیات پس از مرگ در هشت فصل تنظیم شده است که مباحثی از جمله بررسی مرگ، عالم برزخ، نفخ صور، روز قیامت و صفات و احوالات آن، مسئله برانگیخته شدن انسان و صراط و میزان و نامه اعمال و شاهدان در آن روز را مطرح می کند.

اگرچه ابتدا به نظر می رسد تقسیم بندی کتاب کاملاً منطقی و بجا است چرا که ابتدا از بررسی مرگ سپس عالم برزخ سپس نفخ صور و روز قیامت و بررسی وقایع آن پرداخته، اما با دقت بیشتر خواهیم دید تقسیم بندی این کتاب تکراری است چرا که در دیگر کتبی که در این زمینه نوشته شده از جمله منازل الآخره محدث قمی دقیقاً به همین ترتیب بحث و تبیین کرده اند.

همچنین در کتابهای تازه نوشته شده از جمله معاد از جمله کتاب معاد از حجت الاسلام قرائتی و دیگر کتب معاصر نیز به همین ترتیب درباره مسئله معاد و حیات پس از مرگ بحث کرده اند.

۲-۷- فهرست پیشنهادی بهتر

با توجه به مطالبی که بیان شد بیان سرفصلها و مباحث کتاب کاملاً منطقی است و تمامی مطالب در جای خود و به ترتیب بیان شده است و فهرست بهتری برای طرح مباحث وجود ندارد.

البته جا داشت نویسنده علاوه بر تبیین زندگی پس از مرگ مطالبی نیز در باب اثبات حیات پس از مرگ و معاد بیان می کرد که البته با توجه به اینکه مخاطبین کتاب مسلمانان و محققین در این زمینه هستند می توان گفت ذکر این مطالب چندان لازم هم نبود.

همچنین بهتر بود پس از بیان مسئله مرگ و قبض روح و پیش از تبیین عالم برزخ بیانی نیز درباره قبر و سوال نکیر و منکر در قبر داشته باشد البته با توجه به اینکه انسان بلافاصله پس از مرگ به برزخ منتقل می شود این بیان مصنف نیز پذیرفته است و درباره عدم بیان قبر و احوالات آن بر وی اشکالی نیست.

هر چند در فصل برزخ گفتاری هم در رابطه با قبر و مصاحبت اهل شقاوت با شیطان در قبر دارند ولی بهتر بود فصلی را بطور کلی به این مساله اختصاص دهند و به بررسی احوال کامل آن پردازند.

۲-۸- استدلالها و روش اثبات و تبیین مطالب

نویسنده در کتاب مطالب را به صورت مختصر و مفید و بیان می کند و غالباً از استدلالات نقلی استفاده نموده و به روش خود که مقابله آیات قرآن و روایات با یکدیگر است مباحث مختلف را اثبات و تبیین نموده است که این روشی نو و جدید به نسبت روش شارحین و مفسرین گذشته است و فهم کتاب و مباحث را برای گروه بیشتری از مخاطبین میسر کرده است.

البته در چند جای از کتاب پس از بیان مطلب از این طریق، برای تحکیم و تثبیت بهتر مطالب از راه برهان و استدلالات عقلی نیز استدلالاتی بیان می کند.

استدلالات ایشان بر پایه ی نقلی (احادیث ائمه و آیات الهی) و همچنین بر مبنای عقل (تشخیص و درک) است. متن کتاب به زبان فارسی و شیوا و رسا می باشد.

۱۰-۲- تاکید بر موارد کم اهمیت

با توجه به مطالب قبلی مشخص شد که نویسنده در این مختصر از ذکر مباحث فرعی و کم اهمیت خودداری کرده و متمرکز به بیان اصل بحث زندگی پس از مرگ پرداخته است.

اگرچه برخی موضوعات فرعی که به ظاهر با اصل بحث ارتباطی ندارند بیان شده ولی در اصل آنها نیز به نوعی مرتبط با بحث معاد و زندگی پس از مرگ هستند، بنابراین به طور کلی میتوان گفت مباحث کم اهمیتی در کتاب وجود ندارد و همه مطالب اصلی و مهم و مرتبط با بحث معاد و حیات پس از مرگ می باشد.

۱۱-۲- موضوعات و مسائل مهم دیگر برای پژوهش (پیشنهاد پژوهش بیشتر)

علامه در این رساله به کتاب و اثر خاصی برای تحقیق و پژوهش بیشتر ارجاع نداده و تنها اصل بحث را با توجه به آیات و روایات بیان کرده است اما با توجه به اینکه این رساله بخشی از رساله انسان علامه می باشد که خود مشتمل بر سه بخش انسان قبل از دنیا، در دنیا و بعد از دنیا است و مصنف در بخشهایی از کتاب مسائلی فلسفی و منطقی مطرح کرده که توضیح آن را در بخش های دیگری از رساله خویش بیان کرده است بر خواننده لازم است برای فهم و درک بهتر مطلب به کتاب انسان از آغاز تا انجام علامه مراجعه نموده و رسائل و مباحث دیگر علامه را نیز در این کتاب به طور مختصر مطالعه کند.

قسمت سوم: مناسبات نویسنده و کتاب

۳-۱- شرایط نویسنده برای نوشتن کتاب

این کتاب و رسائل دیگر علامه بین سالهایی که وی پیش از رفتن به قم در تبریز ساکن بوده و به کار کشاورزی می پرداخته نوشته شده اند. وی در اوقات فراغت خود به کار تحقیق و تألیف می پرداخته و این رساله نیز حاصل زحمات علامه در این دوران می باشد.

به نظر نمی رسد شرایطی وجود داشته که وی را برای نوشتن کتاب ترغیب کرده باشد اما چنانکه خود وی در مقدمه می گوید با توجه به اینکه تا به حال کسی از شارحین اخبار و مفسرین گذشته از روش تفسیر آیه به آیه و روایت به روایت برای استنباط معانی و مقاصد آیات و روایات خصوصا در زمینه معاد استفاده نکرده و آثاری به جا نگذاشته اند وی مصمم بر آن شده که رساله ای با این روش تألیف و تنظیم کند تا تشنگان معارف دین و اهل بیت در این زمینه سیراب شوند.

همچنین با توجه به آثار دیگر علامه به نظر نمی رسد نظرات وی بعد از نگارش این کتاب در رابطه با مسئله معاد و زندگی پس از مرگ تغییری کرده باشد.

۳-۲- منابع علمی نویسنده

منابع علامه در نگارش کتاب تنها آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد و با استفاده از آنها و به شیوه خاص خود که تفسیر آیات و روایات با یکدیگر است مطالب را اثبات و تبیین نموده است. البته در بیان روایات از کتبی همچون کافی شیخ کلینی، توحید شیخ صدوق، امالی شیخ مفید، تفسیر قمی، تفسیر عیاشی و غیره استفاده کرده است.

۳-۳- محدودیت های نویسنده

نویسنده در تألیف و بیان مباحث مورد نظر محدودیتی نداشته و مسائل و مطالب را تمام و کمال و بی دریغ بیان کرده است.

تنها محدودیت وی را می توان قصد بر مختصر و مختصر بودن کتاب و دوری از مطالب و معانی کلی دانست که دست وی را برای بیان اکمل و دقیق تر و توضیحات و براهین بیشتر برای بعضی مسائل بسته است.

ولی با این حال کتاب بدون محدودیت خاصی تمامی مطالب را به اندازه نیاز بیان و تبیین کرده است.

۳-۴- پیشفرض های ذهنی

از جمله پیشفرض های وی میتوان به روش تفسیری خویش یعنی تفسیر آیه به آیه و روایت به روایت اشاره کرد که در کتاب نیز به همین صورت مباحث را بیان و اثبات کرده است.

اما به طور کلی به نظر نمی رسد وی پیش فرض خاصی در زمینه معاد و حیات پس از مرگ داشته و مطالب را بصورت پیشفرض و ابتدایی و با آیات و روایات تبیین کرده است.

۳-۵- ارتباط کتاب با تخصص نویسنده

چنانکه در قسمت اول بیان شد از جمله تخصصات نویسنده علم تفسیر و فلسفه می باشد که در این کتاب از هر دو بهره برده است.

به کرات بیان شد که وی از روش تفسیری خاص خود که تبیین آیات قرآن با یکدیگر است در این کتاب بهره برده است.

همچنین در کنار استدلالات قرآنی و روایی از برخی مطالب و براهین فلسفی و منطقی نیز در تبیین بعضی مسائل استفاده کرده است که با توجه به اینکه وی فیلسوفی توانا و عالم بوده کاملاً طبیعی است و از تخصص خود در تبیین مسائل بهره برده است.

قسمت چهارم: خلاصه کتاب

کتاب حیات پس از مرگ مشتمل بر یک مقدمه و نه فصل است که عبارت از موت و اجل، برزخ، نفع صور، صفات روز قیامت، برانگیخته شدن انسان برای قضاوت، صراط، میزان، نامه اعمال و شهدا در روز رستاخیز می باشند.

فصل اول موت و اجل: هر موجودی از آسمان و زمین گرفته تا همه آنچه میان آنهاست اجل معینی دارد که این اجل دو گونه است: ۱. اجل زمانی و دنیوی ۲. امر الهی، چنانکه در آیه شریفه می گوید "ثم قضا اجلا و اجل مسمی عنده" (انعام، ۲) اما مرگ نابودی و فنا نیست بلکه مرگ تنها انتقال از عالمی به عالم دیگر است و آنچه با مرگ منتقل می شود روح است و جسم در زمین باقی می ماند چرا که از شان دنیاست. توفی کننده نیز شخص خدا است که بوسیله ملک الموت نیز بوسیله ملائکک نفسها را قبض می کند. انسان پس از مرگ پی می برد که عالم دنیا و زندگی دنیوی هیچ ارزشی نداشته است. مرگ برای انسان مومن بشارت به سعادت و برای کافر بشارت به شقاوت است.

فصل دوم برزخ: برزخ تتمه حیات دنیوی است. تجسم اعمال انسان در برزخ به صورت شخصی پیش روی وی قرار می گیرد، اگر مومن باشد شخصی خوش چهره و خوشبو و خوش جامه نزد او می آید و اگر کافر باشد بدلباسترین و بدبوترین خلق نزد او می آید. البته از متوسطین، مستضعفین، ابلهان، اطفال و فرزند مسلمان که به حد بلوغ نرسیده اند موآخذه به عمل نمی آید. ارواح مومنان در برزخ به همان شکلی که در دنیا داشتند به بهشت می روند و کافران را با شیطان در قبر تنها می گذارند البته باید توجه داشت که علقه مادی افراد به عالم دنیا قطع نمی گردد.

فصل سوم نفع صور: دو نفعه وجود دارد: یک نفعه برای میراندن و سپس یکی برای زنده کردن، در نفعه اول تمامی موجودات از بین رفته و فانی می شود ابتدا نفع برای اهل دنیا و سپس برای اهل برزخ صورت می گیرد، سپس با نفعه دوم انسانها زنده شده و قیامت بر پا می گردد (نمل، ۸۷ و یس، ۵۳). البته اولیاء الله و بندگان مخلص خدا یعنی کسانی که حسنه مطلق (مراد حسنه ای که با سیئه آمیخته نشده باشد) داشته باشند از نفع صور استثنا شده اند. مراد از حسنه که در آیه آمده نیز طبق آنچه از روایات فهمیده می شود ولایت اهل بیت می باشد.

فصل چهارم صفات روز قیامت: در آن روز اسباب و روابط و تاثیر پذیری قطع می گردند، همه اشیا باطل شده و از بین می روند و تنها ذات اقدس الهی است که باقی می ماند. لذا در قرآن نیز قیامت را با صفات مختص خدا

از جمله ملک و امر و قدرت و غیره یاد می کند (مومنون، ۱۶). در آن روز همه حجاب ها از بین رفته، باطن آشکار شده و ظاهر باطل می گردد (ق، ۲۲). ظلمت در آن روز برطرف می گردد و همه چیز ظاهر و نورانی می شود (نبأ، ۱۹) و خداوند سبحان در آن روز ظاهر می شود (نجم، ۴۲). البته بنابر آنچه در روایت آمده باید توجه داشت که علم به قیامت بذاته برای غیر خدا آشکار نشدنی است.

فصل پنجم برانگیخته شدن انسان: برای قضاوت قاطعانه در معاد بدن به نفس ملحق شده و انسان با تمام وجود و همانگونه که بوده برانگیخته می شود (واقعه، ۵۹). البته ارواح نیز سیری جداگانه به سوی خداوند متعال دارند (معراج، ۴۳).

فصل ششم صراط: صراط راهی است که بر سرتاسر جهنم کشیده شده است و همه خلایق از آن عبور می کنند، خداوند پرهیزکاران را نجات داده و ظالمین را در آن رها می کند (نساء، ۶۸).

فصل هفتم میزان: میزان و وزن کردن در روز قیامت امری مسلم است و حسنات و سیئات هر دو وزن می شوند، البته در این میزان نیکی ها سنگین و بدی ها سبک می باشند (اعراف، ۸ و ۹). همچنین باید توجه داشت که این تنها مختص به اعمالی است که حبط نشده و از بین نرفته باشد (کهف، ۱۰۵).

فصل هشتم نامه اعمال: در روز قیامت اعمال انسان همچون طائری بر گردش آویخته می شوند (اسراء، ۱۳ و ۱۴)، اعمالی که در دنیا محسوس نیستند ولی در آخرت ظاهر و ملازم با شخص می باشد (انعام، ۲۸)، چه خود افعال و چه نتایجی که بر این افعال مترتب می شود (یس، ۱۲). مراد از کتاب و نامه اعمال نیز خود اعمال و حقیقت آنهاست، نه خطها و نوشته هایی که بر وجود آنها دلالت کند. همچنین بنابر آیات و روایات لوح محفوظ و کتاب مکنونی وجود دارد که در برگیرنده تمامی اعمال و حقیقت و واقعیت آنها و مرجع و مدرک دیگر کتابها می باشد (جاثیه، ۲۹). دریافت نامه اعمال نیز بنابر آیات به دو صورت سعادت‌مندان و شقاوت‌مندان می باشد و مشخص است که مقصود از یمین و شمال در آیات صرف دو دست چپ و راست نیست (الحاقه، ۱۸ تا ۲۰ و ۲۵ و ۲۶). اصحاب یمین و اصحاب شمال کتاب و نامه اعمالشان را از امامشان دریافت می کنند: "یوم ندعو کل اناس بامامهم" (اسراء، ۷۱). البته بندگان مخلص خدا که از نفخ صور و احضار و میزان و غیره مستثنی بوده اند که در قرآن با وصف السابقون از سابقون از آنها یاد می کند (واقعه، ۱۰ و ۱۱) و همچنین معاندین و کافرانی که موآخذه از آنها به عمل نمی آمد از موضوع دادن کتاب نیز استثنا شده اند.

فصل نهم شهادت: شهادت یا گواه بر شیء عبارت است از تلقی و دریافت آن از راه حضور و رویت (مرحله تحمل شهادت) و گواهی دادن درباره امری پس از دریافت آن (مرحله اداء). مراد از شهادت در روز قیامت شهادت بر باطن و حقیقت اعمال است لذا شاهدان نیز باید افراد خاصی باشند چرا که اطلاع و آگاهی از باطن اعمال از طریق حواس ظاهری و بر همگان ممکن نیست، لذا این شاهدان تنها پیامبر و گروه خاصی از مومنین می باشند (توبه، ۱۰۵). همچنین این نفس اعمال هستند که خود شهادت داده و سخن می گویند (زمر، ۶۹ و ۷۰). گروه های شهدا در روز قیامت عبارتند از: ۱. اولیاء و انسانهای مقرب مانند انبیا و صالحین، شهدا در امت محمد (ص) ائمه اطهار علیهم السلام می باشند که شاهد بر بندگان و اعمال امت اند و پیامبر یا رسول الله نیز شاهده بر آنها می باشد (بقره، ۱۴۳). ۲. ملائکه (یونس، ۶۱). ۳. اعضا و جوارح، که تنها برای اهل دوزخ و بر گناهانشان شهادت می دهند (فصلت، ۱۹ تا ۲۳). ۴. زمان و مکان (آل عمران، ۱۴۰). ۵. قرآن کریم و اعمال و عبادت های شخص.

نتیجه گیری

تمامی انسان ها همچون موجودات دیگر اجل معینی دارند و محکوم به مرگ می باشند، اما مرگ نابودی و فنا نیست بلکه روح انسان با مرگ از عالمی به عالم دیگر منتقل می شود و تنها جسم است که در زمین باقی می ماند.

انسان پس از مرگ به عالم برزخ می رود که تتمه حیات دنیوی است و چند صباحی را در آن سپری می کند تا وقت معین فرا رسیده، در صور دمیده شده و قیامت برپا شود. روزی که علم به حقیقت آن برای غیر خدا ممکن نیست ولی تا جایی که می دانیم در آن روز تمامی اسباب و روابط قطع شده، حجابها از بین می روند و تنها ذات اقدس خداست که ظاهر شده و باقی می ماند.

در معاد جسم به روح ملحق شده و انسان با تمام وجود برای قضاوت و حسابرسی برانگیخته می شود. همه از صراط که راهی بین جهنم و بهشت است عبور می کنند و اعمال آنها عادلانه وزن و حسابرسی می شود.

حقیقت اعمال در آخرت ظاهر و ملازم با شخص می باشند، و نامه اعمال هر شخص با توجه به اعمالی که در دنیا انجام داده به وی سپرده می شود. نامه های عملی که هر کدام از روی لوح محفوظ و کتاب مکنون که در نزد خدای متعال است نوشته شده اند.

همچنین در روز قیامت شاهدانی حاضر شده و بر باطن و حقیقت اعمال ما شهادت می دهند. شاهدانی خاص که عبارت از انبیا و صالحین و ائمه اطهار، ملائکه، اعضا و جوارح، زمان و مکان، قرآن، اعمال و عبادت های شخص و غیره می باشند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اوسی، علی (۱۳۶۴)، الطباطبائی و منهجه فی تفسیره المیزان، چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. تاجدینی، علی (۱۳۷۴)، یادها و یادگارها، چاپ پنجم، تهران: پیام نور.
۳. حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۲۶ق)، مهر تابان، چاپ هشتم، مشهد: نور ملکوت قرآن.
۴. شمس، مراد علی (۱۳۸۷)، سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبائی از نگاه فرزندانگان، چاپ دوم، قم: اسوه.
۵. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۸)، شیعه در اسلام، چاپ سیزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۸۸)، قرآن در اسلام، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب
۷. غیاثی کرمانی، محمدرضا (۱۳۸۱)، اقیانوس حکمت: زندگی نامه حضرت آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبائی، چاپ اول، قم: بوستان کتاب
۸. رشاد، علی اکبر، گفتمان فلسفی نوصدرایی، دسترسی در ۱۴۰۳/۳/۲۰ از وب سایت:

<https://www.noormags.ir>